

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۲۱ فروردین ۱۴۰۲

الحمد لله رب العالمین. پاک و منزّه است خداوند کریم از آنچه او را وصف کنند و بزرگ و بزرگ‌تر از آنچه اندیشه و عقل و علم او را بیابد. همان‌گونه‌ای که خود فرمود: خدا را آن‌طور که قدر اوست نشناختند و به فرموده‌ی امیر مؤمنان علی (ع) خداوند سبحان با اینکه برتر و بلندتر از او وجود ندارد آن برتری و بلندی وی را از هیچ‌یک از آفریدگانش دور نمی‌کند و نه نزدیکی او به آفریدگانش سبب می‌شود که آن‌ها از لحاظ مکان و منزلت برابر با خداوند باشند. خدایی که به صاحبان عقل‌ها اجازه نمی‌دهد که بتوانند صفات او را مشخص و مرزبندی و حدی برایش قرار دهند ولی مانع از این نمی‌شود که صاحبان عقل از راه اندیشه او را بشناسند. خداوند آن‌قدر بزرگ و بزرگ‌تر است که هیچ آفریده‌ای را نمی‌توان به او شبیه نمود و هیچ‌کس توانایی ندارد که موجودیت او را انکار نماید. پس سپاسگزار پروردگار کریم هستیم که در عین بزرگی، عظمت و بی‌نیازی با صبر و گذشت و بزرگواری از خطای بندگانش می‌گذرد و احسانش بر بندگان حد و مرزی ندارد مگر اینکه خود آدمی از آن غافل شود.

بله چه زیباست حمد و ثنا از زبان شهید امشب امیر مؤمنان علی (ع) که سحرگاهش بر بال فرشتگان قدر نشست، به ملکوت سفر کرد که خود فرمود: به خدای کعبه رستگار شدم. چون جهالت و صد رنگی امت خود را می‌دید و با تمام توان برای نجات آنان تلاش می‌کرد ولی افسوس درک نمی‌کردند. نه تنها به سفارشات او عمل نکرده بلکه کمر همت برای آزار و اذیتش بسته و در این راه از هیچ دشمنی کوتاهی نمی‌کردند و در آخر ایشان را همان جهالت خودباوری‌ها به شهادت رساند. قبل از اینکه فرقتش را زخم بزنند قلبش را خون کردند. روح لطیف و بلند و عاشقش را از سروده‌های عاشقانه‌اش و مناجات‌های زیبایش می‌توان درک کرد. تحمل آتش برایش بهتر از هجران پروردگارش بود. ای وای بر شیطان صفتانی که از همان زمان تا قیامت از نام مبارکش می‌گریزند و او همان فجر است که پروردگار عالم مژده‌ی سلامتی را در آن به عالم هدیه فرمود. پس آفریدگارش را در ساعات امشب از قول زبانش می‌خوانیم:

بار الها، معبود من، این منم بنده‌ای که به عذرخواهی به درگاهت آمده‌ام. از اعمال زشتی که به واسطه‌ی کمی حیا جرأت یافته در حضورت، زیر نگاهت به جا آورم از تو عفو و بخشش می‌طلبم اگرچه عملم اندک است ولی امید و آرزویم بسیار است. الهی، ای مهربان‌ترین مهربانان این لطف و کرم و وسعه‌ی تو است که به من جرأت بخشیده در این شب به درگاهت روی آورم. با این باور و یقین به حاملِ ترحم فرموده، از درگاه لطفت محروم و ناامید بر نمی‌گردم چون به جود و احسانت اطمینان دارم. اگر غیر از این بود اکنون در خواب بودم نه در خانه‌ی ولی تو که فرشتگان قدر در انتظارند تا فجر دولتت بدمد و مزده‌اش را به همه‌ی عالم فریاد کنند پس به من عنایت خاصه داری که این شب قدر را به حمد و ستایشت به صبح می‌رسانم. معبود من تمنا دارم به عشق و محبت خود بیدارم کنی و قلبم را از پلیدی‌های غفلت پاک و پاکیزه گردانی و در این شب به من چنان نگاه کن که به کسی که او را خواندی و اجابت کرد، به کار طاعت امر فرمودی اطاعت نمود.

بار الها به من دلی عطا کن که مشتاق مقام قرب تو باشد و زبانی که سخن و دعایش به سوی تو بالا رود و تو اجابتش کنی. من به امید بخشش پروردگارم آمده‌ام، آمده‌ام تا در دامنه‌ی رحمتش روزنه‌ای را بیابم تا از آن روزنه جان حقیرم را به دریای جود و بخشش متصل کنم. آیا شامل آن صبحی که در آن سلامتی و عافیت است می‌شوم؟ نمی‌دانم. اگر توانم را آزمودم سر پر شورم را آماده‌ی شکافتن اسراری می‌کنم که امیر مؤمنان جایگاهش را خدای کعبه نام می‌برد. پس به دعا می‌نشینم:

پروردگارم اینک به جود و احسانت دل‌بسته‌ام تا فرقم را بگشایی تا هزاران جان دربند شده‌ام را به فدای جانی کنم که چهره‌ی مبارکش در خون فرقت غرق شد تا من رستگاری را بشناسم. اینک با نامش جان سوخته از هجرانش را در بند می‌کشم و به سینه‌ام نهیب می‌زنم: ای دست‌های من به سینه‌ات بکوب تا به علی‌الاعلیٰ بررسی چون صاحب این خانه‌ی نور که عرشیان و فرشیان محتاج نگاه پر محبتش هستند اینک مرا می‌خواند. چه می‌کنی؟ آیا امشب را نیز در افکار آب و نان می‌گذرانی؟ این طعام شایسته‌ی تو نیست. تو اهل جنات نعیم هستی. رهایش کن، با من بیا تا جانت

را با طعام ملکوتی از این خانه ی پُر زحمت برهانم. پس صدایم کن با سینه‌ای که
شعله‌اش جانت را بیفروزد.

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com